



۲۰۱۷/۰۲/۱۷



بهاؤل ملک

شرح حال عبدالملک عبدالرحیم زی در آثار نویسندگان

بخش هشتم



نگاهی به شخصیت، نظریات و سیاست های سردار محمد داود

مؤلف: داکتر عاصم اکرم

الکساندریه ، ۱۳۸۰

صفحه ۱۳۴ ب.ب.

طرح پلان انکشافی پنج ساله:

«سگرت های امریکائی ام را با گوگرد روسی روشن می کنم»^۱

به تاریخ اول میزان ۱۳۳۵ هجری شمسی مطابق به ۲۲ سپتامبر ۱۹۵۶ میلادی، اولین پلان انکشافی پنج ساله افتتاح گردید. پلان مذکور را عبدالملک عبدالرحیم زی وزیر مالیه کشور تحت نظارت شخص صدر اعظم و البته با همکاری یک عده مامورین صاحب نظر طرح کرده بود. عبدالملک خان عبدالرحیم زی صاحب منصب عسکری افغانستان بود

^۱ - آقای محمد عزیز نعیم به ارتباط این جمله مشهوریکه به سردار داود نسبت داده شده است خاطر نشان می سازد که اصلاً این کلماتی است که در سال ۱۹۶۲ یک تن خبرنگار مجله تایم (Time) در مضمونش در مورد افغانستان استعمال کرده بود. عبارت اصلی آن قریباً چنین بود: «...داود خان همیشه سگرت امریکائی اش را با گوگرد روسی روشن می کند.»

که داود خان او را در وقتیکه وزیر دفاع بود برای تحصیل به ترکیه فرستاده بود. بعضاً به این عقیده هستند که وزیر مالیه عبدالرحیم زی زیر تاثیر پلان های انکشافی دولت ترکیه برهبری مصطفی کمال و سردار داود زیر تاثیر کشور های سوسیالیستی رفته بودند. در حالیکه واقعیت امر اینست که بعد از جنگ دوم جهانی اکثر ممالک چه غربی و چه کمونیستی برای اعمار مجدد کشور های تخریب شده خویش پلان های طرح نموده بودند که بدون کمک و سرمایه دولتی پیاده کردن و عملی ساختن آنها غیر ممکن می بود. هدف اساسی این پلان ها احیای مجدد و طرح ریزی زیر بنای اقتصادی و اجتماعی وسیع کشور، مثل سرک ها، صنایع ثقیله، زراعت، مکاتب، شفاخانه وها و غیره ... بود. فلذا اگر بگوئیم داود خان با طرح پلان پنجساله خود نه زیر تاثیر ترکیه و نه زیر تاثیر روسیه کمونیستی رفته بود و در واقع تصمیم مبنی بر مثال های که چه در شرق و چه در غرب در آن زمان مشاهده می شد بود، دور از حقیقت نمی باشد. علاوه بر آن پلان داود خان با سرمایه داری و تجارت شخصی نه مخالفت بنیادی داشت و نه ممانعت پیش کرد. یقیناً آنچه سردار داود خان و حکومتش برای انکشاف مملکت طرح ریزی نموده بودند با سیستم دول کمونیستی جداً مغایرت داشت.

پلان اول بیشتر متوجه زراعت و ازدیاد امکانات آبیاری کشور بود. چون به عجله و بدون احصائیه دقیق طرح شده بود، پلان به زودی با مشکلات مواجه شد. اما چون داود خان به پیشبرد پلان علاقه خاص داشت و ضمناً چون در صورت ناکامی آن معنی از دست دادن کرسی صدارت را میتوانست بگیرد، از آن لحاظ سردار داود همه قوت های جسمی و مالی دولت را بالای پلان پنج ساله متمرکز کرد. با وجود آن، نتایج حاصله به سویه آنچه توقع می رفت نبود، پروژه ها از سبب کمبود سرمایه حکومتی و عدم علاقه گیری سرمایه های شخصی صدمه دید. یگانه سرمایه اضافه گی که با پیشبرد پلان میتوانست کمک شود قرضه صد ملیون دالری اتحاد شوروی بود که در موقع سفر خروسچف و بولگانین وعده شده بود، لیکن وعده روس ها در حقیقت پول نقد نبوده بلکه معامله ای بود که حکومت افغانستان را قادر به خریداری اموال و اجناس و همکاری های تکنیکی روسی به بهای صد ملیون دالر می ساخت. روس ها بیشتر این سهولت مالی را برای ساختن سرک ها، میدان های هوایی، کارخانه جات و استخراج معادن تفویض کرده بودند و نه برای پروژه های زراعتی که اساس پلان پنج ساله اول را ترتیب میداد.

در ناکامی نسبی پلان پنجساله اول حکومت، سردار داود عبدالملک خان عبدالرحیم زی را ملامت دانسته در ماه جولای ۱۹۵۷ میلادی او را برطرف نموده محبوس کرد. تا کنون به شکل دقیق علت این تجدید نظر داود خان در مورد شخصی که تا آن زمان برخوردار از حمایت خاصش بود روشن نیست. برای تکافو کسر بودجه، داود خان برادرش نعیم خان را به امریکا فرستاد. لیکن حکومت امریکا در عین زمان که به نماینده افغانی اطمینان داد مصمم است پروژه وادی هلمند را ادامه بدهد و حتی بعضی پروژه های تعلیمی را امداد نماید، اما حاضر نمی باشد تا به پلان پنج ساله کمی قابل ملاحظه بکند.

در اوائل سال ۱۹۶۲ پلان پنج ساله دوم آغاز یافت. هدف اساسی آن ایجاد و تقویت صنایع بود. حکومت مصمم بود ۳۳% بودجه عمومی دولت را برای پیشبرد این پلان تخصیص بدهد. لیکن با وجود اینکه، بعد از برطرفی عبدالملک عبدالرحیم زی، داود خان شخصاً امور وزارت پلان را بدوش گرفته و توانسته بود از احصائیه های دقیق تر برای تهیه پلان دوم و تخمین بودجه آن استفاده نماید، اما باز هم وزارت مذکور، ولو با همکاری مستقیم صدارت عظمی، قادر به ایجاد تعادلی بین عواید و مصارف نشد. نا گفته نماند وقتی در سال ۱۹۶۳ داود خان از صدارت عظمی استعفا

داد، جانشین وی داکتر محمد یوسف خان با تغییرات اندک پلان موجوده را ادامه داده تکمیل نمود و در سال ۱۹۶۷ پلان جدید که عبارت از پلان سوم باشد روی دست گرفته شد. هنگامیکه داود خان قدرت را در سال ۱۹۷۳ به دست گرفت، اندکی بعد پلان اول هفت ساله را افتتاح کرد که برای تمویل آن از طرف حکومت های مختلف به شمول حکومت عربستان سعودی و ایران، وعده کمک های قابل ملاحظه ای را گرفته بود.

عبدالملک خان عبدالرحیم زی در رأس سیاست انکشافی داود خان:

تقرر عبدالملک خان عبدالرحیم زی به کرسی وزارت مالیه همچو طوفانی صحنه سیاسی افغانستان را تکان داد. او به آواز بلند اعلان کرد می خواهد در وزارت مذکور به طور خاص و در امور مالی مملکت به طور عموم تعدیلات وارد کند. عبدالملک خان، در مسلک عسکری و محاسبه یک دوره تربیوی را در ترکیه گذرانده بود، مصمم بود تا جلو رشوه خوری و بی بند و باری را گرفته تغییرات لازمه را در امور مالی مملکت وارد نماید تا نظام مالی کشور شکل عصری تر را به خود بگیرد.

یک راپور سری شارژدافیر سفارت امریکا در کابل، چارلس لیتل^۲ مورخ ۳ نومبر ۱۹۵۳، در حینیکه شخصیت از خود گذر، قاطع، با انرژی، بی پروا در مقابل پول و مخالف با خویش خوری، عبدالملک خان عبدالرحیم زی را ستایش می نماید و می افزاید که افغانستان به این نوع اشخاص ضرورت مبرم دارد، او خاطر نشان می سازد «اگر انرژی و مقاصد مثبت خویش را با هوشیاری، واقع بینی و گذشت از ایدیال های خود در صورت لزوم تعدیل نه نماید ضرر آن بیشتر از فوایدش خواهد بود.»^۳

وزیر مالیه عبدالملک عبدالرحیم زی بعضی تند روی هایی را انجام داده بود که سبب تعجب و نا رضایتی مردم شده بود. گفته می شود ملک خان، علاوه بر اینکه بدون محکمه و سند یک تعداد مامورین پایین رتبه را به اتهام خویشخوری و یا رشوه خوری منفک نموده بود، بعضی مقررات جدید را وضع کرده بود که اگر واقعیت نمی داشت می توانست شکل فکاهی را بخود بگیرد: مثلاً مامورینی که در کانتین وزارت مالیه غذا می خوردند مجبور بودند تا با استفاده از کارد و پنجه صرف طعام کنند. تفتیش ها تعیین شده بودند تا در بین میز ها قدم زده مراقبت نمایند که آیا همه مطابق به احکام «وزیر صاحب» رفتار می نمایند یا خیر! مثال دیگر اینکه عبدالملک خان استفاده اصطلاح «انشاء الله» را در جریان صحبت به مامورین وزارت مالیه منع نموده بود. این اصطلاح، که به منظور اطاعت به اراده خداوندی در بین مسلمان ها معمول می باشد، به نظر عبدالملک خان که آم بی حوصله و طالب نتایج سریع بود علامه یک نوع تنبلی و تعویق اندازی در اجرای وظایف بوده و از این لحاظ استعمال آنرا خواسته بود منع نماید!

مخالفت عبدالملک عبدالرحیم زی با بانک ملی:

در اواخر سال ۱۹۵۳ میلادی، وزارت مالیه، بانک ملی و مسئولین آنرا به اتهام پنهان کردن سرمایه هایی که به دولت مالیات خود را تحویل نکرده و به کشیدن اسعار از مملکت متهم بودند، تحت تفتیش قرار داد. مامورین وزارت مالیه با همکاری مامورین پولیس یک تعداد اسناد و اوراق بانک را ضبط نموده خواستار مطالعه و تفتیش اسناد باقیمانده،

۲- Charles Little

۳ - مراجعه شود به اسناد وزارت خارجه امریکا، سند شماره ۱۱-۷۸۹/۱۳/۳۵۳-۱۱، آرشیف ملی امریکا، واشنگتن، ایالات متحده امریکا.

بخصوص صورت حساب های بانکی مشتری های بانک را شدند. حکومت، یعنی وزیر مالیه عبدالملک خان غالباً با حمایت داود خان و نعیم خان بانک ملی را تهدید می نمود که اگر نمی خواهد به خواسته اش اطاعت نماید، حکومت مجبور خواهد شد تا بانک ملی را زیر اداره خود بگیرد و آنرا ملکیت دولت اعلام نماید. مسئولین بانک به هر طرفیکه شکایت کردند نتیجه ای حاصل نکردند. وقتیکه خواستند با صدراعظم ببینند با جواب منفی روبرو شدند. در ملاقاتی با نعیم خان، یک تن نماینده بانک به او خاطر نشان شد که تا وقتی که حکومت چنین با این بانک رویه میکند، رفتار مذکور در حقیقت به اعتبار اقتصادی و مالی کشور در صحنه بین المللی صدمه میرساند. یک راپور سفارت امریکا در کابل در این مورد میرساند که نعیم خان نیز چندان پیشامد خوب با یک تن از نماینده بانک که برای ملاقاتش رفته بود نه نمود. نعیم خان اصرار ورزیده بود که بغیر از اطاعت به حکم دولت دیگر راه وجود ندارد و قیل از اینکه آن نماینده را از دفتر خود اخراج نماید، علاوه کرده بود که کابینه جدید «حکومتی را در داخل حکومت قبول کرده نمیتواند».^۴

مسئولین بانک ملی تضاد نسبتاً واضح حکومت را در برابر خود مشاهده کرده، بالاخره به این نتیجه رسیدند که با نعیم خان موضوع را بوضاحت مطرح نمایند که اگر حکومت مصمم است بانک را از بین ببرد، باید بدین منظور خواستار صدور فرمان شاهی شود... همان نوع فرمان که چند سال قبل به بانک ملی اجازه ابراز موجودیت را داده بود. لیکن به اساس راپور سفارت امریکا در کابل، آنچه بالاخره حکومت داود خان را مجبور ساخت تا بانک را از بین نبرد تمديد امپورت - اکسپورت بانک امریکائی بود. بانک امریکائی مذکور مسئولین افغانی را خاطر نشان ساخت که اگر شرایط بانکداری در کشور شان به این شکل می باشد، آن مؤسسه دیگر حاضر نمی باشد اعتبار بیشتر از بیست ملیون دالری را که قبلاً وعده کرده بود بدسترس افغانستان بگذارد.

در کتاب «خاطرات سیاسی»، سید قاسم رشتیا به اختلافی بین عبدالرؤف حیدر و عبدالملک خان عبدالرحیم زی اشاره کرده، صحنه ای را که وی شاهد آن بود حکایت می کند:^۵ مجلسی در بانک ملی ترتیب داده شده بود تا در مورد تجارت قره قل تصمیمی گرفته شود. در حالیکه عبدالملک خان وزیر پر اقتدار مالیه بر این نظر بود که تجارت قره قل انحصار دولتی باشد، عبدالرؤف حیدر نظر مخالف را ابراز کرده تاکید می ورزید که این کار نباید به دولت سپرده شود بلکه مربوط به تجارت و سرمایه شخصی گذاشته شود. عبدالرؤف خان حیدر که خودش در رشته تجارت دارای تجربه مسلکی کافی بود و در حکومت کرسی وزیر اقتصاد را به عهده داشت، نظر خود را بیشتر توضیح کرده گفت: دولت نمی تواند با شرایط بازار خود را عیار کند و تجربه نشان داده است که هر چه بدست حکومت باشد قیمت آن بالا می رود. با شنیدن سخنان عبدالرؤف حیدر، عبدالملک خان عکس العمل خیلی شدید نشان داده به او چنین خطاب کرد: «خودت برای من معلوم هستی... خودت را خوب می شناسم... حتی می گویم که مرشدت هم خاین است».^۶ شاهدخت هندیه، زوجه مرحوم عبدالرؤف حیدر، در مورد اینکه چه سبب اختلاف شوهر مرحوم اش با عبدالملک

^۴ - مراجعه شود به اسناد وزارت خارجه امریکا، سند شماره ۲۹۵۳ - ۷۸۹/۱۳/۱۲ - آرشیف ملی امریکا، واشنگتن، ایالات متحده امریکا.

^۵ - سید قاسم رشتیا، خاطرات سیاسی، صفحات ۱۰۷ و ۱۰۸.

^۶ - رشتیا، خاطرات سیاسی، ص ۱۰۸. رشتیا تصور می کند که در اشاره به «مرشدت» منظور عبدالملک خان از عبدالمجید خان زابلی بوده باشد.

خان عبدالرحیم زی شده بود می گوید داکتر عبدالرؤف حیدر می خواست در طرز کارش ابتکاراتی وارد کند که البته آن سبب نارضایتی و حتی حسادت بعضی ها شده بود؛ از جمله برای بار اول در افغانستان یک وزیر مصاحبه مطبوعاتی را ترتیب داده بود که سبب حیرت همه شده بود.^۷ اما در این که چه سبب شروع همکاری داکتر عبدالرؤف حیدر با حکومت سردار داود خان شده بود، هندیه خانم، در حالیکه اظهار می نماید معلومات موثق در مورد ندارد، با وجود آن به دوستی عبدالرؤف حیدر با داکتر محمد یوسف، که او نیز تحصیل یافته آلمان بود، و عبدالمجید خان زابلی اشاره می نماید. داکتر رؤف حیدر از عبدالمجید خان زابلی دایم به نیکی یاد کرده به خانم خود می گفت: «از زابلی خیلی یاد گرفته ام».^۸ مرحوم داکتر حیدر، بعد از استعفايش، در شهر هامبورگ آلمان مستقر شد و آنجا را در مرکز فعالیت های تجاری خود قرار داد.

داکتر عبدالرؤف حیدر تحصیل یافته مکتب حبیبیه کابل بوده، تحصیلات عالی خود را با اخذ درجه داکتری در رشته اقتصاد در جرمنی تکمیل کرده بود. پدر داکتر عبدالرؤف حیدر، علی حیدر خان، از مردم حوزه پشاور بوده در زمان امیر عبدالرحمان خان تجارت بین پشاور و کابل می کرد و در اواخر دوره امیر مذکور در کابل اقامت اختیار نمود. با خوشبینی دولت، غلام حیدر خان، برادر بزرگ عبدالرؤف حیدر، در ایجاد و رشد تاسیسات صنعتی کشور مثل شرکت پترول، پنبه و قالین بافی و امثالهم سهم مهم گرفته بود.

به نقل قول از داکتر حبیب حیدر، سردار داود خان داکتر عبدالرؤف حیدر را بر اساس مشوره عم خود محمد هاشم خان مقرر کرده بود. چون او با عبدالمجید خان زابلی دوستی داشت، با مشوره او صدر اعظم جدید را متقاعد ساخت و وی عبدالرؤف حیدر را، که نه تنها در امور تجاری وارد بود، بلکه داکتری خود را در رشته اقتصاد در آلمان گرفته بود، در کابینه خود توظیف نماید.

در قسمت دلیل استعفای داکتر عبدالرؤف حیدر، داکتر حبیب حیدر که در این مورد با عم خود در حدود اوسط دهه نژده صد و هفتاد میلادی صحبت کرده بود، موضوع را چنین حکایت می کند: «روزی از روز ها در جریان یک جلسه مجلس وزراء، عبدالملک عبدالرحیم زی بر خورد «بی ادبانه» می نماید و به قسم توهین آمیز از تجار و سرمایه داران یاد می کند. عبدالرؤف حیدر چون مشاهده می کند داود خان با حفظ سکوت حمایت خود را از وزیر مالیة نشان میدهد، بعد از ختم مجلس وزراء به بانک ملی می رود و بعد از مشوره با محمد عمر خان استعفای خود را بحضور پادشاه تقدیم می کند.»^۹

در حقیقت، چون در آن زمان مرد پر اقتدار و «زور آور» عبدالملک خان بود، که به هیچ صورت قبول نداشت تا شخص دیگری در امور اقتصادی و مالی با او مقابله نماید. او غالباً به زودی زمینه اخراج عبدالرؤف خان حیدر را

۷- مصاحبه تلفونی مورخ ۱۱ دسمبر ۱۹۹۹ میلادی. شاهدخت هندیه در شهر روم ایتالیا اقامت دارد.

۸- جنرال یحیی نوروز در این مورد فکر می کند که در حقیقت سردار نعیم خان در جریان کدام سفر او را ملاقات نموده بود، و چون افکارش خوشش آمده بود، از آنرو به برادر خود سردار داود خان پیشنهاد شامل نمودن وی را در کابینه کرده بود. (مصاحبه با جنرال یحیی نوروز، مورخ ۷ می ۱۹۹۸ میلادی، شهر سکندریه، ایالت ورجینیا، ایالات متحده امریکا).

۹- به استناد معلومات متفرقه در مورد داکتر عبدالرؤف حیدر که توسط داکتر حبیب حیدر طی نامه مورخه اول می سال ۲۰۰۰ میلادی به نویسنده این کتاب شرح شده است.

از وزارت اقتصاد فراهم نموده بود. صفحه ۱۵۲ ب.ب.

حکومت در خوف دسیسه ها، عبدالملک خان عبدالرحیم زی متهم به کودتا:

در این شکی نیست که عبدالملک خان مرد پر کار و پر ابتکار بود. طرفدار دسپلین و انضباط نظامی مثل داود خان بود. چندان تحصیل خاص نکرده بود: قبل از آمدن به کابل در لوگر احتمالاً درسی را در مدرسه ای خوانده بود. در کابل اول داخل اداره استخبارات شد اما وقتیکه یک کورس محاسبه دایر شد، او توانست نسبت به تشبث شخصی خود، شامل آن شود. در آن وقت داود خان وزیر دفاع بود و عبدالملک خان کدام کاری را انجام داده بود که سبب جلب توجه وزیر شده بود به شکلی که او را بحیث مدیر لوازم مکتب حربیه مقرر کرد. بعد ملک خان با استفاده از یک فرصت مناسب یک دوره تحصیل را در ترکیه هم سپری نمود. در مکتب حربیه وقتیکه معلمی غیر حاضر می بود، ملک خان چون با لسان و طرز تدریس استاد های ترکی بلد بود، به عوض معلم غایب به شاگردان درس میداد. به مرور زمان ملک خان نزد داود خان اعتبار زیاد پیدا کرد و وقتیکه جنگ صافی در گرفت، داود به او مسئولیت اکمالات را تفویض کرد و کمی بعد از ختم جنگ صافی، چون از خدمات و جدیتش در کار راضی بود، او را به ریاست تفتیش عینات اردو مقررش کرد.

«الف» هارون در کتاب خود می نویسد دولت عبدالملک خان را بعد از مسافرتش به ایالات متحده امریکا به طرح ریزی کودتا متهم نمود و در نتیجه او را با یک تعداد «همدست هایش» دستگیر نموده کوتاه قفل کرد. هارون می افزاید جگرن سید کریم به سردار عبدالولی راپور داده بود که عبدالملک خان کودتا انجام میدهد. طرح کودتا به شکلی باید می بود که کودتاچیان از موقع تجمع ادا کنندگان نماز عید اضحی در مسجد بزرگ عیدگاه کابل، که در آن جمله پادشاه و مسئولین بلند رتبه حکومتی هم اشتراک می کردند، استفاده نموده بر آنها حمله می نمودند و به تعقیب آن حکومت جدید خود را اعلان می کردند. پیروزی کودتا را مهدی ظفر، بایست از طریق امواج رادیو کابل به اطلاع مردم می رساند.

نویسنده کتاب داود خان در چنگال ک. ج. ب. می نگارد که مامورین پولیس به تاسی از راپور های استخبارات دست به توقیف همدست های ملک خان زدند. در حالیکه شخص عبدالملک خان به منزلش خانه نشین شده بود، دو تن برادرانش، یکی عبدالرحمن رئیس شرکت سپین غر و دیگری عبدالله «ترافیک» قوماندان خاندوی ولایت فاریاب، از وظایف خویش برطرف شده به حبس انداخته شدند، سه روز قبل از عید اضحی رادیو اعلان نمود که مقامات امنیتی کشور کودتای عبدالملک خان را با «کمک یک کشور خارجی» افشاء کرده است. همزمان یا متعاقب به آن اعلان، عبدالله خان ملکیار، آنگاه وزیر تجارت، به عوض عبدالملک خان و جنرال عبدالغفار به عوض جنرال خواجه خلیل تعیین شدند.

هارون می افزاید حکومت موضوع کشف آن توطئه را به طوری معرفی نمود که گویا اتحاد شوروی در این قسمت با مقامات امنیتی کشور همکاری نموده است. هم چنان او خاطر نشان میشود که از همان وقت بیعد دیگر پادشاه و خانواده سلطنتی از ادای نماز ها در مسجد عیدگاه ابا ورزیده نماز های مهم را در مسجد کوچک ارگ بجا مینمودند.^{۱۰}

^{۱۰} - داود خان در چنگال ک. ج. ب. صفحه ۲۸.

به نقل قول از عین منبع، دو هفته بعد از افشای این توطئه، میر عبدالعزیز خان والی کابل در شبی دنبال عبدالملک خان به منزلش رفت و به بهانه ملاقات با سردار داود خان او را از منزلش کشید. در راه به منزل سردار احمد شاه خان وزیر دربار توقف کردند و در آنجا او را در یکی از اطاق ها کوتاه قفل نمودند. باید متذکر شد که در اثر کشف این «توطئه» حتی اولاد عبدالملک خان از مکاتب شان اخراج شدند.

عبدالملک عبدالرحیم زی، شکنجه جسمی در موقع تحقیقات ندید. در دوره مشروطه تقاضای محاکمه را کرد لیکن نه تنها حکومت بلکه ولسی جرگه نیز به عرضش اعتناً نوزید. اما سایر متهمین آن «توطئه» بر اساس فرمان شاهی رها شده به کار های مختلف گماشته شدند: مثلاً عبدالرحیم چینزائی که مدیر قلم مخصوص ملک خان بود، بریاست کارخانجات جنگلک تعیین شد و جنرال خلیل بریاست مرستون مقرر شد. این رفتار حکومت در برابر «متهمین» دیروز در واقع معنی عفو را داشت و خود به خود نشان میداد که اتهام کودتا به گمان اغلب یک دسیسه سیاسی مقابل ملک خان بود - بدون اینکه دقیقاً فهمیده شود از کجا آن دسیسه نشئت کرده بود؟

با وجود محبوس بودنش، عبدالملک خان عبدالرحیم زی قادر به این شده بود بعضی از یادداشت های خود را بیرون کند تا آن توسط جریده افغان ملت قسماً نشر شود. البته وقتیکه داود خان دوباره به قدرت رسید بعد از کودتای ۲۶ سرطان باز هم در سرنوشت عبدالملک خان تغییر پدیدار نشد. عبدالرحیم زی دایم خود را بی گناه اعلام می کرد و هیچگاه اقرار نامه ای را امضاء نکرده بود. بالاخره، در دوره پرچمی ها، و با مداخله سازمان عفو بین المللی، عبدالملک خان آزاد شد و کمی بعد چشم از جهان پوشید.

عبدالملک خان از جمله اشخاصی بود که با سردار داود خود را خیلی نزدیک ساخته بود و مدار اعتبار عام و تام وی شده بود و حتی گفته میتوانیم از جمله اشخاصی بود که به اصطلاح از قالب سیستم داود خان بر آمده بود لیکن در آخر روابطش با داود خان خراب شده بود به شکلی که بالاخره داود خان او را برطرف کرد و در حقیقت او را از بین برد. به صورت واضح و دقیق علت آن تحول را گفته نمیتوانیم اما جنرال یحیی خان نوروز به ارتباط این قضیه چنان حکایت می نماید: «به یادم است که در آن موقع عبدالملک خان به لوگر برای شکار رفته بود و از آنجا داود خان او را به کابل خواست و چنانچه شخصی که در افغانستان تقریباً ادعای هر چیز را داشت، متکی بر حمایتی ای شد که از جانب داود خان برخوردار بود، به همین ترتیب بندی شد. علت واقعی و دلیل اصلی توقیف شدن دفعتاً ملک خان روشن نیست. چون دلیل اصلی معلوم نیست، باید به افواهاات مردم گوش بدهیم... تصمیم دستگیری او ناشی از کدام راپور استخبارات بود - و داخل شدن در مغز استخبارات آن زمان کار سهل نیست!... - افواهاات مردم چنین بود که ملک خان مغرور قدرت و صلاحیتی که پیدا کرده بود شده بود وی بالاخره به این فکر رسیده بود که بدون داود خان هم می تواند در مملکت نقش مهمی را بازی بکند و اگر به داود خان به نوعی از انواع ثابت شده باشد که عبدالملک خان می خواهد بدون وی حکومت کند، همین خود به خود برای اتخاذ تصمیمش کافی بود.»

قابل تذکر است که اگر روابط عبدالملک خان با سردار داود خان خیلی نزدیک و صمیمی بود، در مقابل با سایر اعضای کابینه و حتی با سردار نعیم خان او روابط خراب داشت. در این رابطه جنرال یحیی نوروز می گوید: «عبدالملک خان به کسی سر تعظیم خم نمی کرد. حتی فکر می کنم که در اواخر به داود خان هم سر را خم نمی کرد

که آن شاید بالاخره سبب سقوط اش شده باشد.^{۱۱} اگرچه به نقل قول از یک منبع دیگر سردار محمد داود عبدالملک خان را خلاف اراده خود برطرف و محبوس کرده بود. در سال ۱۹۷۲ هنگامیکه موضوع رهائی ملک خان از زندان در شورا بحث می شد، منبع مذکور از سردار محمد داود در مورد سرنوشت و چگونگی قضیه عبدالملک خان پرسید. سردار داود پاسخ داد که به صداقت و لیاقت ملک خان شخصاً شک نداشت و ندارد اما در آن زمان ملک خان خیلی مردم، بشمول مقام سلطنت را ناراضی ساخته بود. او افزود افواها در کابل در مورد ترتیبات کودتا از طرف عبدالملک عبدالرحیم زی زیاد شنیده می شد و غالباً در تحریک موضوع سردار عبدالولی نقش فعال داشت بدون اینکه علتش دقیق فهمیده شود. اما باید گفت تا آخر هیچگونه ثبوتی در مقابل وی یافته نشد.

پایان بخش هشتم

یار زنده صحبت باقی... ادامه دارد

در بخش نهم، ظهور مشروطیت و قربانیان استبداد در افغانستان، نویسنده: سید مسعود پوهنیار



^{۱۱} - مصاحبه با جنرال یحیی نوز، مورخ ۷ می ۱۹۹۸ میلادی، شهر سکندریه، ایالت ورجینیا، ایالات متحده امریکا.

